



دانشجوی عدالت خواه

از نگاه صادق شهبازی

دانشجوی عدالتخواه

براساس گفتاری از: محمدصادق شهبازی

به کوشش: محمدحسین ابراهیمی، رضا جلالی

صفحه آرا: امیررضا سیفی

تهیه شده در واحد تولید محتوای معاونت گفتمان سازی

و مطالبه گری سازمان بسیج دانشجویی



@geraa_ir



معاونت گفتمان سازی و مطالبه گری

فهرست

- مقدمه ۴
- عدالت واقعی و ملموس؛ آرزو، آرمان و هدف برنامه ریزی ها. ۵
- خط جدید جنبش دانشجویی ۶
- نقطه آغاز مطالبه گری های جنبش دانشجویی ۷
- بازخوانی جنبش دانشجویی در زمینه عدالت ۸
- تکلیف امروز جنبش دانشجویی ۱۰
- ایجاد فرصت ها ۱۷
- رابطه عدالت و ولایت فقیه ۱۸
- عدالت خواهی دلسوزانه ۲۰
- معنای عدالت خواهی ۲۱
- عاقبت جنبش دانشجویی ۲۲

عدالت؛ سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۸۱/۰۸/۰۶ خطاب به دومین همایش سراسری «جنبش دانشجویی؛ گذشته، حال، آینده» پیامی صادر فرمودند، پیامی که صورت مسئله جنبش دانشجویی را تغییر داد. ایشان در پیام فرمودند که: «امروز سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله‌ی عدالت است. دانشجوی جوان اگرچه خود برخاسته از قشرهای مستضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و پرکردن شکافهای طبقاتی به چشم یک آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد.»

رهبر انقلاب اشاره داشتند که اگر می‌خواهید این، محور باشد، تنه‌اراهش این است که دانشجویان مسلمان، این را محور قرار بدهند و اصلاً ذهنشان با این شکل بگیرد و بروند سراغ مسائل کشور و بررسی کنند و هر پدیده‌ی ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد.

عدالت واقعی و ملموس؛ آرزو، آرمان و هدف برنامه ریزی ها

چند خط از این پیام رهبرانقلاب را با هم بخوانیم:

ایشان می فرمایند: «اگر عدالت - عدالت واقعی و ملموس و نه فقط سخن گفتن از عدالت - آرزو و آرمان و هدف برنامه ریزی ها است، پس باید هر پدیده‌ی ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد.

مسابقه‌ی رفاه میان مسؤولان، بی‌اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه ریزان، ثروت‌های سربرآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدام‌های بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفاتشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پررویی آنان همه‌ی گلوگاه‌های اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید، و خلاصه پدیده‌ی بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینه‌ی کسب قدرت سیاسی کنند و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه راهزینه کرده‌اند گرد می‌آورند.»

خط جدید جنبش دانشجویی

خلاصه اینکه رهبرانقلاب، در این پیام یک خط جدید برای جنبش دانشجویی باز کردند. در آن اوج دعوای سیاسی ابتدای دهه هشتاد که چه کسی اصولگرا و چه کسی اصلاح طلب است، ایشان آمدند و خط جدیدی را ترسیم کردند، البته کنار این، دو آرمان دیگر را مطرح و پیگیری کردند، یکی «منشور آزاداندیشی»، که از نهضت آزاداندیشی ذیل آن منشور را نام بردند، و دیگری «نهضت علمی» که آن را از سال ۷۸ در کشور، مطرح و دنبال کردند.

این محور باعث شد که جنبش دانشجویی از گفتمان اصولگرا و اصلاح طلب و دعوای سیاسی بی ثمری که در دهه ۷۰ بود، بیاید به سراغ این که مسائل اصلی کشور را مورد بحث و بررسی قرار دهد. جنبش دانشجویی از یک دعوای نخبگانی وارد واقعیات شد و تبیین این مسئله که معیار اصلی برای ارزیابی مسئولین، عدالت است. و اینکه خود ما به این

جمع بندی رسیدیم که باید وارد قضایای عدالت شویم و خود ما به عنوان یک سبک زندگی، عدالت خواهانه زندگی کنیم و اشرافیت را در زندگی خود نیاورده و

نمایش ندهیم و همچنین این را برای مردم نیز تبدیل به ارزش کنیم و بعد، برویم سراغ اینکه نهادهای کشور را از این زاویه مورد نقد و سؤال قرار دهیم.

نقطه آغاز مطالبه‌گری‌های جنبش دانشجویی

رهبرانقلاب هم در دانشگاه شهید بهشتی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان که از ایشان در مورد جنبش عدالت‌طلبی سؤال کرد، گفتند: «مردم - به ویژه جوانان - باید عدالت‌طلبی را کاملاً جدی و به عنوان یک خواست اساسی از مسئولان مطالبه کنند تا همه‌ی مسئولان مقوله‌ی عدالت را جدی بگیرند.»

در آن دیدار اشاره داشتند که اگر حرف کلی بزنید، فایده‌ای ندارد و باید واقعی و جزئی و عینی دست بگذارید و ببینید کجا اینطور نیست و یا کجا یک مصداق است، کجا یک ساز و کار غلط است و مسئولین را مجبور کنید که نسبت به این عمل کنند و نسبت به این گزینه اقدام کنند و این فضاها را مطرح کنند.

در این سال‌ها خیلی کارهای زیادی شد، از اینکه یک تعداد از دانشجویان رفتند کنار کارتن خواب‌ها، کارتن‌خوابی کردند، مطالبه‌گری از نهادهای مختلف

کردند، در حوزه فقر مسائل خوبی اتفاق افتاد. در حوزه فساد مطالبه‌گری‌های خوبی صورت گرفت و... یک زمانی در دهه هفتاد، مسئله جنبش دانشجویی این بود که می‌گفتند فقط فساد هست و بعد رسیدیم به اینکه بادانه درشت‌ها باید برخورد شود، بعد رسیدیم به اینکه اصلاً سازوکارهای فساد باید درست شود. کارهای زیادی شد، حتی یک دولت، یک مجلس و یک شورای شهر در ابتدای دهه هشتاد براساس این شعارها رای آورد. در این سال‌ها جسته و گریخته یک سری کارها و فعالیت‌ها صورت گرفت، ولی الان که بیستمین سالگرد این ماجرا است، وقت آن است که جنبش دانشجویی خودش را بازخوانی کند و ببیند در کجاها پیرامون این قضیه کم‌کاری کرده است.

بازخوانی جنبش دانشجویی در زمینه عدالت

مادر شرایط گام دوم انقلاب هستیم و دیگر فقط برای ما مهم نیست آن کارها انجام شود بلکه می‌خواهیم کشور در این شرایط جهش کند و لازمه‌اش این است که بیاییم سراغ این که کارهای نکرده خود در حوزه عدالت را بازخوانی کنیم. به هر حال مادر حوزه فقر و فساد یک

کارهایی انجام داده‌ایم. اما به تبعیض پرداخته‌ایم. بسیاری از این بی‌عدالتی‌هایی که در کشور هست، از تبعیض‌های قانونی و ساختاری است، به عنوان مثال فیش نجومی و املاک نجومی، اکثر دهندگان و گیرندگانش محکوم نشدند، بلکه افشاگران‌ش محکوم شده‌اند. مشکل اینجاست که قانونی شده است.

من می‌خواهم بگویم نظام سلامت ما، نظام آموزش ما، این طبقه سرمایه‌داری جدیدی که شکل گرفته است، واردات چی‌ها و خام‌فروش‌ها، بازار سلامت، بازار آموزش، ملاک‌ها، این کلان‌شبکه‌هایی که برای فضای ملک، برای فضای رمزارز، سکه و ارز و چیزهای این چنینی شکل گرفته است که دلّالی می‌کنند. حالانکه چهار نفر مردم بیچاره‌ای که یک پول کوچکی داشتند و گذاشتند، این‌ها منظورم نیست، بلکه آن کلان‌شبکه‌ها، آن کسانی که معادن رانتی دستشان است، کسانی که چنین ساختارهایی دستشان هست، بعد همین را در این پدیده کار اقتصادی مسئولین، تعارض منافع مسئولین، یک چرخه‌ای را درست کردند که در فضای اقتصادی کشور و به همین جهت این همه نابرابری‌ها شکل گرفته و اقتصاد اسلامی در کشور شکل نمی‌گیرد.

جنبش دانشجویی در گام اول انقلاب، از ابتدای این پیام تا به امروز در فقر، فساد، در پرداختن به بعضی مصادیق و...، با ضعف و قوت کارهایی را انجام داده است. حال می‌خواهم بگویم در گام دوم انقلاب مهم است که هم روی تبعیض‌ها و هم بر روی ساختارها دست بگذارد و هم ساز و کارها را اصلاح کند.

تکلیف امروز جنبش دانشجویی

دشمنان می‌خواهند با استفاده از اغتشاش، ما را از پیشرفت کشور، ما را از اجرای عدالت، جمهوری اسلامی را از این مسیر منحرف کنند، و باعث شوند که یک شرایطی برایمان فراهم شود که نابرابری‌ها گسترده‌تر شود و کاری را که در این چند دهه نتوانستند انجام دهند، یعنی آن طبقه اصلی حامی انقلاب، که مستضعفین هستند را مقابل انقلاب قرار دهند. این را می‌خواهند با این فضا محقق کنند.

راهش چیست؟ راهش این است که جنبش دانشجویی بیاید ضمن همه کارهای خوبی که مخصوصاً در این چند هفته جهت مقابله با اغتشاش گران شد، و واقعاً بخش عمده‌ای از بار مقابله با اغتشاشات در

تهران و در بسیاری از شهرهای ما را جنبش دانشجویی به دوش کشید، آن کارهای نکرده گروه‌های دیگر، آن قرارگاه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی و از همه مهم‌تر دفاع از پیشرفت، دفاع از کلاس درس و دفاع از علم همه این‌ها بر روی دوش جنبش دانشجویی بود. ولی می‌خواهم بگویم آن چیزی که اولاً آمریکا و استکبار را ناامید می‌کند، دوماً مردم را کنار انقلاب قرار می‌دهد و سوماً مهم‌ترین هدف اجتماعی دین را محقق می‌کند، ایستادن روی موضوع عدالت است.

الان مهم است بعد از بیست سال، شماروی ساختار، ساز و کارها، قوانین فسادزا و بالاتر از فساد، تبعیض‌ها دست بگذارید. اصلاً اصل عدالت مسئله تبعیض است. فساد، تبعیض غیرقانونی است و خیلی از اوقات تبعیض، فساد قانونی است.

این نکته مهمی است. شما بگردید و ببینید چه ساز و کارهایی دارد این مسئله را درست می‌کند. روی نظام سلامت دست بگذارید، روی نظام آموزش دست بگذارید، روی واردات چی‌ها و خام‌فروشی‌ها - که اکثر بحران‌های اقتصادی کشور و پانگرفتن تولید دست این‌ها است - دست بگذارید، روی مسئولینی که دارند

با این‌ها تعامل می‌کنند دست بگذارید. اصلاً اصل ماجرا این است که در کشور یک طبقه‌ای شکل گرفته است و از این مسئله ذینفع است که تولید در کشور پانگیرد، ذینفع این است که در هر حوزه‌ای نابرابری باشد. مثلاً می‌بینید چند هزار پزشک متخصص، ۸۶ میلیون نفر ایرانی را در خطر قرار دادند. این مدارس غیر انتفاعی و این شیوه‌کنکور باعث شده که کل سیستم آموزش شما وابسته به پول شده است. روی این‌ها دست بگذارید.

روی این فرصت‌های بی‌جا، روی این رانت‌هایی که دارند به آدم‌های مختلف می‌دهند دست بگذارید. که متأسفانه بخشی از ادوار جنبش دانشجویی هم آلوده به آن شده است. دست بگذارید روی جاهایی که بادلالی و مواردی این چنینی مبارزه نشده است. من تشکر می‌کنم از وزارت اقتصاد و مخصوصاً سازمان امور مالیاتی که دست گذاشته روی اینکه سیستم مالیات را اصلاح کند. می‌خواهم بگویم این مورد باید در همه حوزه‌ها اتفاق بیفتد. سیستم بانک‌داری ما باید همین اتفاق در آن بیفتد. در بانک‌ها به یک تعداد آدم معدودی که عمده آن‌ها دلال هستند، وام‌های کلان می‌دهند و خیلی از این‌ها هم وام‌ها را پس نمی‌دهند. روی این‌ها

جدی دست بگذارید و نگذارید شما را به مسائل روزمره سرگرم کنند. آن‌ها می‌خواهند با اغتشاش کاری کنند که مردم از این مسائل ناامید شوند.

شما اولویت‌تان باید همین‌ها بشود. شما اولویت‌تان بشود همین صنایع رانقی که به معدن و چیزهای دیگر وصل هستند. خام‌فروشی هم می‌کنند و مدعی کشور هستند و دلارش را هم بر نمی‌گردانند. شما بروید روی این قوانین دست بگذارید.

من می‌خواهم بگویم که حیف بیت‌المال حتی از میل بیت‌المال مهم‌تر است. خیلی جاها ما حیف بیت‌المال داریم، خیلی جاها ما مصرف بی‌اولویت بیت‌المال داریم و این چنین است که در مملکت مان پول و امکانات هست ولی درست توزیع نشده است. در مملکت مان نابرابری وجود دارد و در گام دوم انقلاب، هم‌ساز و کارها و هم‌تبعیض‌ها باید اصلاح بشود. این دو مورد از آن کارهایی است که انبوهی از شرایط کشور را تغییر می‌دهد؛ باید دلالی در کشور راه‌زینه‌زا کرد. الان در کشور، بخش عمده‌ای از تولید کشور خوابیده است؛ چرا؟! چون این دلال‌ها در مقام تصمیم‌گیری آورده‌ایم. بروید قانون حمایت از تولید داخلی را ببینید. چرا باید

یک مجموعه‌ای که جای واردات و خام‌فروشی است، شما بکنید نمایندهٔ بخش خصوصی و در تصمیم‌گیری به او قدرت بدهید؟ می‌خواهم بگویم این اشتباه است. آن آدم‌ها به اندازهٔ خودشان، در حدود واردات، در حد صادرات، البته باید کنترل بکنید، خام‌فروشی باید کنترل شود، واردات باید کنترل شود، می‌توانند یک جمع‌ی داشته باشند ولی چرا باید نمایندهٔ کل بخش خصوصی باشند؟ یا اصلاحاتی که ما باید از دولت و مجلس بخواهیم انجام دهند؛ باید آنها بخواهیم که هزینه دلالی کردن را بالا ببرند. باید بخواهیم آن قوانینی را که دارند رانت ایجاد می‌کند و برای یک عده فرصت ایجاد می‌کند و به تودهٔ دیگر مردم نمی‌رسد و خیلی اوقات هم برای توجیح کردن این ماجرا، می‌گویند فلانی آدم موجهی است؛ فلانی آدمی است که شناخته شده است، این‌ها را مطرح می‌کنند که یک سری به صرف این که ریشو و چادری هستند و انقلابی هستند، رانت‌های بی‌جایی بگیرند، این‌ها غلط است. جلوی این‌ها بایستید. کما این که شما ایستادید، هپکو، هفت‌تپه و دشت مغان را حل کردید. شما ایستادید که بسیاری از قوانین در کشور تصویب شد، درب گلدکوئیست بسته شد. شما ایستادید سر این که کارتن خواب‌ها گرم‌خانه

داشته باشند. شما ایستادید و مطالبه را از دست ضد انقلاب خارج کردید. مثلاً تا قبل از این که شماها شروع کنید، این نهادهای انقلابی را مورد حمله‌هایی قرار می‌دادند و مسئله را از فضای اصلی خارج می‌کردند. شما آمدید و گفتید که حامی انقلاب و این نهادها هستید؛ با این حال این رانت‌ها ایراد دارد و یا اینکه در قوه قضائیه اشکالاتی است و این فسادها چرارسیدگی نمی‌شود. شما اگر این کار را نکنید، این بدنه ضد انقلاب، آن بدنه‌ای که برایش مسئله ایران، انقلاب و نظام اصلاً مهم نیست، آن مطالبه را می‌گیرد سر دست و تبدیل می‌کند به این که گروه‌های چپ و گروه‌های مارکسیستی می‌شود.

خیلی از همین‌هایی که در این اغتشاشات اخیر آمدند، تعدادی از این دانشجویان از کف دانشگاه‌های مختلف که عمدتاً هم برای طبقه متوسط به بالا هستند، با این‌ها هم کلام که می‌شوید، از تبعیض می‌نالند! این‌ها را شما باید بشکنید، شما جلوی این نقاط استفهام برانگیز که رهبرانقلاب می‌گویند که عدالت اولویت تصمیم‌گیری هست یا نه، همین پیوست عدالت که ایشان می‌فرمایند؛ یعنی ما باید هر سیاست

کلان را در کشور با این ملاک مورد سؤال قرار بدهیم. حذف ارز ترجیحی، مسئله افزایش قیمت بنزین و چیزهای دیگر، باید با این ملاک مورد سؤال قرار بگیرد. شما جلوی بعضی از این خصوصی سازی ها را گرفتید. نسل های قبل از شما در جنبش دانشجویی بخشی از کارهای غلطی که به اسم خصوصی سازی در کشور می شد جلوگیری را گرفتند، البته بخشی هم نشد. روی قانون هایشان دست بگذارید و نگذارید آن امضاها را طلایی، آن شرایط بیاید مانع شود یک عده خاص به یک آلف و الوفی برسند و ۸۶ میلیون نفر آدم تحت فشار باشند، تحت ستم باشند. این است شما را از فضای اغتشاش خارج می کند؛ این است که شما را می برد به سمت این که بتوانید در کشور، کشور را روی مدار اصلی قرار دهید. تحقق پیشرفت از عدالت جدا نیست. به تعبیر حضرت امیر(ع): «فان فی العدل سعة و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضيق.» در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را بر نتابد ستم را سخت تر یابد. با اجرای عدالت است که ما می توانیم به پیشرفت برسیم.

ایجاد فرصت‌ها

یکی از نکات مهم همین است که فرصت‌های برابری آدم‌ها باید ایجاد شود. یک جوان، یک دانش‌آموز، یک دانشجوی در منطقه‌ای دور افتاده نظیر سیستان و بلوچستان، چابهار، ایلام، در جنوب کرمان و در محروم‌ترین استان‌های ما و... بتواند رشد کند و پیشرفت کند. این لازمه‌اش آن است که در فضای سیاسی کشور اصلاحی صورت بگیرد. اگر فضای سیاسی کشور این‌طوری باشد که فقط برای بالا رفتن از سیستم به وابسته شدن به یک سری نهاد، یک سری آدم، یک سری چهره، به یک سری جایگاه بستگی داشته باشد دیگر هیچ انگیزه‌ای برای آن دانشجوی نخبه‌ما، آن دانشجوی دغدغه‌مند با اخلاص ما به وجود نمی‌آید. بعداً این‌ها را جلسه بگذارید و بحث کنید برای ضعف‌هایی که دستگاه حافظ نظم‌مادارد، برای این‌ها اگر شما این کار را نکنید، طرح این مباحث از فضای جبههٔ انقلاب بیرون می‌آید.

در این بیستمین سال ابلاغ این پیام رهبر انقلاب، مهم‌ترین کار این است که ما ایستادگی کنیم و برنامه‌ریزی کنیم که این فضا تبدیل به رفع اشکالات

کشور و انقلاب بشود.

رابطه عدالت و ولایت فقیه

این دوگانه عدالت و ولایت، دوگانه احمق‌ها است. ولایتی که در آن عدالت نباشد، طاغوت است. اما شما وقتی می‌خواهید عدالت را محقق کنید و این منطقی که یک عده می‌خواهند این دو تاراجلوی هم قرار دهند، نفهمیدن اصل موضوع است.

حضرت امام (ره) در کتاب البیع می‌فرمایند:

«الإسلام هو الحكومة بشؤونها، و الأحكام قوانين الإسلام، و هي شأن من شؤونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض، و أمور آليّة لإجرائها و بسط العدالة».
(کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۳).

یعنی حقیقت اسلام، همان حکومت با تمامی شئون آن است. حکومت، جامع همه شئون اسلام است و احکام، بخشی از اسلام هستند (و هی شأن من شؤونها) و به تعبیری شاید بتوان گفت که احکام، قوانین اجرایی اسلام هستند. هدف اسلام، تحقق عدالت و جاری شدن عدالت در همه زوایای زندگی است و مطلوبیت احکام به خاطر این است که طریق تحقق عدالت اند و

الا خود این احکام اجتماعی، مطلوبیت بالذات ندارند به عبارتی دیگر حکومت ابزار تحقق عدالت است.

خلاصه بخواهم بگویم، این دو با هم هستند. شما باید هم در عدالت خواهی کشور، حاکمیت، نظام، اسلام و انقلاب را لحاظ کنید و هم حواستان باشد اگر این اشکالات در کشور بماند، نظام تبدیل می شود به یک چیزی که از اهداف خودش کنار می آید. این تعبیر مهمی که رهبران انقلاب کردند و به مسئولین نظام گفتند که مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فقر، فساد و تبعیض و در یک کلمه عدالت خواهی مان است، بدون عدالت همه چیز پوچ و بیهوده می شود و یا این تعبیری که از وجود مقدس پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) که:

به همه افراد، چه ظالم باشند و چه مظلوم، در جامعه دینی کمک کن. مظلوم بودن مشخص است که به چه جهت باید به آن کمک کرد. اما کمک به ظالم یعنی چه؟ کمک به ظالم یعنی اینکه اگر اشتباهی و یک ظلمی و کار غلطی می کند، از آنجا برش گردان.

عدالت‌خواهی دلسوزانه

باید عدالت‌خواهی در نظام اسلامی دلسوزانه باشد. شما خودتان رایک بخشی از حاکمیت، ولایت و نظام ببینید. یک وقتی هست که ما نشستیم و غرمی زنیم و می‌گوییم فلان چیز خراب است و می‌خواهیم نشان بدهیم خیلی آدم روشن‌فکر و منتقدی هستیم، ولی یک وقتی هست مثل بچه‌ای که به پدر و مادرش با حفظ احترام می‌گوید که فلان چیز و فلان کار اشتباه است و از سر دلسوزی این حرف را می‌زند. تعبیر رهبرانقلاب این است که می‌گویند با انتقاد نور امید را روشن کنید. امید با این که آمارهای عجیب و غریب بدهند که همه چیز مثبت و در حال پیشرفت است، ایجاد نمی‌شود. امید به گونه‌ای ایجاد می‌شود که مردم ببینند ضمن همه این چالش‌هایی که هست، می‌شود شرایط را تغییر داد که یک بخش جدی از کار با عدالت‌خواهی انجام می‌شود. هم خود نظام و هم آن بدنه دانشجویی و جوان ما باید عدالت‌گستری کنند.

مثالی که همیشه می‌زنم فیلم‌های آمریکایی را است، در این فیلم‌ها نمی‌گویند که در نظام آمریکا فساد نیست؛ بلکه می‌گویند فساد هست که یا خود

سیستم آمریکابه این فساد رسیدگی می‌کند و یا اَبَر
قهرمان‌هامی‌آیند و این فسادها را از بین می‌برند. من
اسمش را بسیجی‌های آن سیستم می‌گذارم. یعنی
همان آدم‌هایی که طرفدار سیستم هستند و لزومادر
حاکمیت نیستند. این‌هامی‌افتند دنبال اصلاح کردن
مشکلات و شرایط، آن‌هم بانگاه یک آدم دلسوز و نگاه
فرزند یک خانواده که اینجا کشور و حکومت و نظام ما
است و برای اینکه این نظام دچار چالش نشود، من
باید انتقاد و نقد کنم و یک جاهایی باید آستین بالا بزنم
و مشکل را حل کنم و همه این‌ها با هم می‌شود عدالت.

معنای عدالت‌خواهی

عدالت‌خواهی یعنی هم یک مسئول در حکومت
پیگیری کند و هم یک عده بنشینند راه حل پیدا کنند و
هم یک عده آستین بالا بزنند و کارهای خیریه و جهادی
انجام دهند، یک عده مطالبه‌گری کنند و یک عده
بنشینند مبانی فکری‌اش را درست کنند. یک پیوستار
مردمی، حکومتی در این چهار، پنج حوزه که باشد، آن
وقت می‌توانیم یک نظام پیشرفته بدون مشکلات
درست کنیم و ولایت تثبیت می‌شود.

و ولایت ان شاء الله می تواند این پرچم را به دست صاحب اصلی اش برساند.

عاقبت جنبش دانشجویی

شاید خیلی ها بگویند جنبش دانشجویی دچار افول شده است و قبول هم دارم. بعضی از شیوه های کارها و فعالیت ها عوض شده، ولی انگیزه های انقلابی و اسلامی بالا آمده است. همین چند هفته را ببینید، برای مقابله با اغتشاشات، دانشجویانی که کرونا هم دانشگاه نیامده بودند، نسل قبلی هم تجربیاتش منتقل نشده بود، آمدند ایستادند. در جهت دفاع از محیط علمی و حفظ نظام جدی فعالیت کردند. من معتقدم این جنبش دانشجویی اگر آگاه شود و اگر خودش را پیدا کند، در این نقطه کنونی خیلی از سطح فکری ها بالاتر رفته است و می تواند در تاریخ انقلاب کاری را انجام دهد که ما بایک جهش خیلی جدی به سمت آرمان ها پیش برویم. منتها فکر می خواهد، برنامه ریزی می خواهد، مبانی می خواهد، ورود به مسائل کشور و همان تعبیر رهبرانقلاب، حضور فکری و فیزیکی در مسائل کشور را می طلبد و من به این نسل

فعلى خيلى بيشتراز نسل خودمان ونسل هاى قبل تر
از خودمان اميدوارم.